

- یک‌شنبه ۱۸ خردادماه ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۳۹**

احیای سنگرهای فرهنگی با بازگشت مساجد و هیئت‌ها به محور تمدن‌سازی اسلامی

هیئت، جای مناسبک صرف نیست؛ میدان کنش اجتماعی است/ امام جماعت، ستون تربیت محله است

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار، یک پژوهشگر حوزه حکمرانی با اشاره به بحران معنای عصر حاضر و جنگ نرم فرهنگی، تأکید کرد: نهادهای مذهبی سنتی همچون مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها، اگر با بازخوانی فلسفه اصیل خود و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و فناوری همراه شوند، می‌توانند به کانون‌هایی فعال برای تربیت نسل مؤمن و انقلابی و تحقق تمدن نوین اسلامی تبدیل شوند.

در زمانه‌ای که تهاجم نرم فرهنگی، همه‌های سازمان‌یافته به هویت اسلامی–ایرانی و تلاش برای جدایی دین از زندگی روزمره در اشکال مختلف بروز یافته، ضرورت بازخوانی نقش نهادهای سنتی– تمدنی چون مساجد، هیئات و حسینیه‌ها بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. نهادهایی که در گفتمان انقلاب اسلامی نه صرفاً کارکردی عبادی، بلکه جایگاهی تمدنی برای تربیت اجتماعی، هویت‌سازی فرهنگی و پاسداری از سرمایه‌های دینی و ملی دارند.

در گفت‌وگوی پیش رو با حجت‌الاسلام سجاد کریمی، پژوهشگر برجسته حوزه حکمرانی و تربیت اجتماعی، کوشیده‌ایم تا به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهیم که چرا و چگونه نهادهای مذهبی سنتی می‌توانند و باید به کانون‌های انسان‌ساز در طراز انقلاب اسلامی بدل شوند؛ چرا تقلیل این نهاده‌ها به کارکردهای مناسکی، نوعی سکولاریزه‌کردن دین در سطح جامعه است؟ چگونه می‌توان با بازآفرینی نقش مسجد، هیئت و حسینیه، هم بحران معنا را پاسخ گفت و هم سرمایه اجتماعی گفتمان مقاومت را بازسازی کرد. او با تأکید بر «فلسفه انسان‌ساز» مسجد نبوی، نقش‌آفرینی چندوجهی نهادهای دینی را در ابعاد معیشتی، فکری، خانوادگی و اجتماعی یادآور شده و فقدان این جامع‌نگری را از دلایل اصلی گسست نسلی و افت کارکرد تربیتی مساجد در عصر حاضر می‌داند. وی با رویکردی واقع‌بینانه اما نقادانه، خواستار بازنگری اساسی در تربیت امامان جماعت، چگونگی انتخاب هیئت‌امنا و آموزش فعالان فرهنگی مساجد می‌شود؛ نهادهایی که به تعبیر او، اگر مأثوریت تربیتی نداشته باشند، از طراز اسلام خارج شده‌اند.

این گفت‌وگو در کنار نگاهی علمی و حکمرانی‌محور، دعوتی است برای بازگشت به حقیقت زنده و تمدنی مسجد، هیئت و فرهنگ عاشورا؛ نه قالیب شعاری، بلکه با برنامه‌ات، عملی و منسجم. راهی که اگر جدی گرفته شود، گامی مؤثر در تحقق «تمدن نوین اسلامی» خواهد بود.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ **با توجه به جنگ نرم، همه‌های فرهنگی و تلاش برای تضعیف هویت اسلامی– ایرانی، چگونه می‌توان مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها را به سنگرهایی فعال در پاسداری از میراث فرهنگی دینی و گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل کرد؟**

ما در بحث از مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها، در وهله نخست باید به فلسفه تأسیس مسجد مراجعه کنیم. مسجد بنایی است که در زمان پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان جایگاه عبادت و سلوک معنوی و پایگاه شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... تأسیس شد. مسجد زمان پیامبر، یک کارخانه انسان‌سازی بود با یک اتمسفر انسان‌ساز که هر فرد با قرار گرفتن در آن متسفر، متناسب

با اهداف اسلام تربیت می‌شد و مسجد به او هویت می‌بخشید. این یک امر تشریفاتی و تزئینی نیست، بلکه معرف هویت و ذات مسجد است. بنابراین حیات مسجد وابسته به این است که هویت آن براساس فلسفه‌اش شکل بگیرد و حرکت آن در همین راستا باشد. به تبع مسجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها هم از این فلسفه مستثنی نیستند، هرچند به شکل خاص‌تر می‌توانیم فعالیت آن‌ها را به شکل ملموس‌تری به فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گره بزنیم.



هیئت در صورتی می‌تواند به نهاد تربیت نیروی انقلاب بدل شود که «با مردم زندگی کند»، «مسائل آنان را حل کند» و از «فرهنگ اهل بیت به‌مثابه هدف» بهره ببرد، نه ابزار محرم و عاشورا نیز نه صرفاً موسم عزّا، که «مسیر تربیت جامع هویتی» بر اساس مدل «دانش، بینش، گرایش، رفتار و ملکه» است؛ مدلی که در آن، فرهنگ عاشورا به‌مثابه یک کل منسجم، حلقه مفقوده تربیت نسل‌ها، یعنی گرایش‌سازی را احیا می‌کند.

اگر میراث فرهنگی دینی و گفتمان انقلاب اسلامی را فقط مناسک تلقی نکنیم، بلکه آن را منظومه‌ای از مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... بدانیم، باید مسئله اصلی مساجد و حسینیه‌ها، مسائل مردم باشد. اگر مسئله مردم فکری است، باید کانون تعمیق افکار باشند؛ اگر مسئله مردم معیشتی است، باید مرکز تعاون برای حل مشکلات مردم باشند؛ اگر مسئله اجتماعی یا خانوادگی یا حتی بعضاً تحصیلی داشته باشند، باید کانون رسیدگی به مسائل اجتماعی و خانوادگی و تحصیلی مردم باشند. در مسجد، حسینیه و هیئت تراز اسلام، سلوک معنوی فقط از طریق مناسک دینی خاص محقق نمی‌شود، بلکه فعالیت اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی هم ابعدادی از سلوک معنوی انسان‌ساز هستند. چنین مساجد، هیئات و حسینیه‌هایی هستند که می‌توانند پاسدار ارزش‌ها، سرمایه‌های فرهنگی دینی و ملی و گفتمان انقلاب اسلامی باشند. چرا؟ چون زنده‌اند و به تعبیر خاص‌تر، سکولار نیستند؛ در غیر این صورت اگر فعالیت این نهاده‌ا را در برگزاری نماز و مراسم عبادی و اعیاد منحصر کنیم، عملاً دین را به انزوا برده و مردم را در زندگی روزمره به حال خودشان رها کرده‌ایم. این اتفاق، حداقل دو آفت دارد، یکی اینکه سرمایه‌های فرهنگی که مسجد و هیئت

و حسینیه در تقویت آن‌ها نقش دارد، کمرنگ و زائل می‌شوند و دیگری اینکه با خیل بسیاری از افراد و خانواده‌هایی روبه‌رو می‌شویم که اهل مناسک دینی هستند؛ اما سبک زندگی و طرز فکر آن‌ها اسلامی نیست.

■ **آیا نهادهای مذهبی سنتی مانند هیئت‌ها و حسینیه‌ها توانسته‌اند متناسب با ذائقه و تحولات فکری نسل جدید حرکت کنند؟ نقش فناوری و فضای مجازی را در این بازسازی فرهنگی چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در این باره اگر اا قالب‌ها و ذائقه‌هایی مثل شعر و سبک هنری آثار هیئتی و حسینیه‌ای صحبت کنیم، بله! توانسته‌اند؛ اما اگر بخواهیم به کارکردها معطوف شویم، خیر! هیئت‌ها و حسینیه‌ها توانسته‌اند از فناوری و فضای مجازی در راستای ایفای نقش حداقلی خودشان، یعنی انجام مناسک مذهبی بهره ببرند؛ اما این تمام ماجرا نیست، همان‌طور که در پاسخ به پرسش نخست عرض کردم، رسالت هیئت و مسجد و حسینیه، چیزی فراتر از این‌هاست. مسجد و حسینیه و هیئت یعنی تمام زندگی.

در رابطه با نسل جدید، باید بدانیم که همه نسل‌ها فارغ از تفاوت‌ها و ذائقه‌های مختلف، نیازهای معنوی، فکری، فرهنگی و اجتماعی نزدیک به هم دارند. اقتضائات نسلی، قالب‌ها و عمق نیازها را تغییر می‌دهد؛ اما شاکله چندان تفاوتی ندارد. فهم صحیح از نیازهای نسل‌ها و مدل ارتباطی که می‌تواند جاذبه هیئت و مسجد را برای آن‌ها افزایش دهد، خیلی سخت، اما بسیار ضروری‌ست. من معتقدم که نهادهای مذکور در این زمینه توفیق لازم را نداشته‌اند. این کم‌توفیقی هم چند عاملی است. گسست بین نقش فرهنگی خانواده و مسجد، شکاف فاحش بین اصلاح مختلف نقش‌آفرینی فرهنگی و هویتی مثل مدرسه، دانشگاه، مسجد، خانواده و رسانه، عواملی هستند که تجدید حیات فرهنگی نسل نو را دچار مشکل کرده‌اند. پس ضمن اینکه انگشت اشاره را به‌دلیل فقدان راهبرد کلان هم‌راستا، به سمت همه عوامل می‌گیریم، نهاد مسجد، حسینیه و هیئت را هم به‌طور خاص مورد خطاب قرار می‌دهیم.

جوان یا نوجوانی که تحت تأثیر رسانه‌های ستیزه‌جو، فضای مجازی، آداب و رسوم غلط و آموزش‌های ناکارآمد قرار می‌گیرد، باید به شکل‌های مورد توجه قرار گیرد. حسینیه و هیئت باید جهش بزرگی در تلاش‌هایشان داشته باشند و هنرمندی خاصی را به خرج دهند تا این جوان بتواند با آن‌ها زندگی کند. از تلاش فکری عمیق گرفته تا رسیدگی به نیازهای مختلف او. اینجا فضای مجازی یک عنصر شتاب‌بخش و تسهیل‌گر است و باید جدی گرفته شود. متأسفانه کنش‌های فرهنگی ما در فضای مجازی بیشتر رویکرد تدافعی دارد و یا از ذهنیات، زندگی و اقتضائات نسل نو، پرت و با آن بیگانه است.

■ **شما نقش محرم و فرهنگ عاشورایی را در تقویت مؤلفه‌های هویت فرهنگی نسل نو چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

محرم و فرهنگ عاشورایی یک ظرفیت بی‌نظیر و بی‌بدیل است. این ظرفیت آن‌قدر وسیع و البته عمیق است که طی قرون متمادی نه‌تنها فروکش نکرده، بلکه شکوفا‌تر هم شده است. مهم‌ترین دلیل این شکوفایی نیز فطری بودن ارزش‌ها و فرهنگ عاشورا‌ست. توحید، مقاومت،

فرهنگی

پژوهشگر حوزه حکمرانی مطرح کرد:

ایشار، تواصی، مبارزه با ظلم، دشمن‌شناسی و بسیاری دیگر از جلوه‌های الهی در فرهنگ عاشورا، نخست آنکه در اعلی درجه خود قرار دارند و دوم آنکه فطرت هر انسانی را به سمت خود می‌کشانند.

ما اگر مراحل هویت‌بخشی و تربیت نسل‌ها براساس فرهنگ اسلامی ایرانی را همان پنج مرحله معروف یعنی «دانش، بینش، گرایش، رفتار و ملکه» بدانیم، محرم و عاشورا تنها عنصری است که می‌تواند بستر تحقق هر پنج مرحله را فراهم کند. این معجزه است. این تفسیر همان عبارت قدسی «ان الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاه» است. کمی دقیق‌تر، بخش مهمی از مشکلات ما برای انتقال ارزش‌ها به نسل نو و شکل‌دهی هویت آن‌ها، به حوزه گرایش‌ها مربوط می‌شود. ایجاد گرایش، حلقه مفقوده امروز ما در تربیت و هویت‌بخشی به نسل‌هاست. این کاستی را فرهنگ عاشورا یک‌جا حل کرده. فرهنگ عاشورا دریچه ورود به فرهنگ اسلامی ایرانی و هویت یک انسان مسلمان است که باید با هنرمندی از آن بهره گرفت و ملاحظاتِ در این باب وجود دارد که باید در فرصتی دیگر راجع به آن سخن گفت.

■ **در شرایط گسست نسلی و بحران معنا، چگونه می‌توان از ظرفیت عاطفی و فکری مجالس اهل‌بیت و نهادهای مذهبی برای بازسازی سرمایه اجتماعی و ترویج سبک زندگی اسلامی– ایرانی بهره گرفت؟**

بحران معنا ناشی از تلاش سرگردان جویندگان برای یافتن معنا و درنهایت رسیدن به بی‌معنایی دنیای مادی است. من معتقدم اتفاقاً چون نسل‌های نو سخت به‌دنبال معنا هستند، گرفتار این بحران شده‌اند. بگذارید به این بحران به چشم یک فرصت نگاه کنیم. قطعاً هر کسی که آشنایی درستی با معارف عمیق اسلام و اهل بیت داشته باشد و لذت زیست مؤمنانه را بپسند، از بحران معنوی و هویتی در امان خواهد بود. پس باید چند نکته را در نظر گرفت؛

نخست آنکه عنصر معرفتی و فکری در مجالس اهل بیت نباید رنگ ببازد. معرفت صحیح عاشورایی همیشه جذاب است و جذاب‌دار دارد. نقش منبری‌ها و مداح‌ها در این زمینه خیلی پررنگ است. گاهی یک شعر که جوان بتواند با آن ارتباط بگیرد و هم‌ذات پنداری کند، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

دم آنکه دایره شرکت‌کنندگان در مجالس وسیع شود. بنده یک جایی به بعضی متولیان عرض کردم که شواهد نشان می‌دهد خانم‌هایی با حجاب متفاوت، کمتر در مراسم عزاداری در مکان‌های سرپسته حضور پیدا می‌کنند و در عوض در مکان‌های رو باز حضور بیشتری دارند. پس سعی کنید مراسم را در فضای باز برگزار کنید. آن عمق معرفتی ارائه‌شده در مجالس اهل بیت وقتی برای گستره بیشتری از مخاطب عرضه می‌شود، قطعاً ظرفیت مضاعفی پیدا می‌کند.

سوم آنکه باید توجه کنیم که اهل بیت ابزار ما نیستند. توضیح این مطلب برای من سخت است. اشاره می‌کنم و می‌گذرم. ما نباید اهدافی را مشخص کنیم و بعد هیئت بنا کنیم تا به اهداف خودمان برسیم؛ نه! هیئت و حسینیه بنا کنیم تا فرهنگ اهل بیت را درست و همان‌طور که هست، به نسل‌ها منتقل کنیم و آن‌ها تربیت شوند. این رویکرد رساندن فرهنگ اسلامی به نسل‌ها اگر بدون اینکه وسیله واقع شود، هدف

اساسی ما باشد، بخش مهمی از مشکل حل می‌شود. چهارم آنکه مجالس اهل بیت باید گره‌گشای زندگی مردم باشد. نمونه‌های موفق‌ی را هم در این زمینه داریم که قابل مطالعه است. پنجم آنکه به‌روز باشیم. اگر امام حسین علیه‌السلام را سمبل امر به معروف و نهی از منکر می‌دانیم، پس این امر را در مجالس محقق کنیم و حرف دل مردم را بزنیم. مردم دوست دارند مسئولان آن‌ها نصیحت شوند. چه بهتر که از بالای منابر این اتفاق بیفتد، البته با ملاحظه جوانب. چنین مجلسی قطعاً گرایش به این فرهنگ را بیشتر می‌کند.

■ **کارکرد تربیتی مساجد در گذشته ملموس‌تر بود؛ چه عواملی باعث کمرنگ‌شدن این کارکرد شده و چه راهکارهایی برای احیای آن پیشنهاد می‌کنید؟**

مساجد الان هم این کارکرد را دارند، منتها شاید دلیل ملموس‌تر بودنش در گذشته، فرصت‌هایی بود که برای ظهور و بروز آن ایجاد می‌شد؛ مثل دوران دفاع مقدس و دفاع از حرم و... در عین حال بنده هم مثل شما معتقدم که مساجد یا به پای انقلاب و به نسبت رشدی که در این ۴۷ سال باید پیدا می‌کردند، رشد نکرده‌اند. عوامل زیادی در این موضوع دخیل هستند که دو، سه عامل مهم‌تر را عرض می‌کنم؛

یکم اینکه خط انتقال معارف اصیل اسلامی در برخی از مساجد کمرنگ شده. همین عامل خودش دلایل و عواملی دارد که از ورود به آن‌ها خودداری می‌کنم و موضوع مفصلی است. با اطلاع و با قاطعیت عرض می‌کنم که عموم مردم تشنه معارف اصیل اسلامی هستند و این شربت گوارا را در برخی مساجد دریافت نمی‌کنند. این نقصان، دو پیامد دارد؛ یکی ضعف مبنای در تربیت مسجدی، دیگری کاهش جمعیت مسجدها.

دوم اینکه اساساً متولیان بعضی از مساجد برای خود نقش تربیتی قائل نیستند و مسجد را به معبد تقلیل داده‌اند. رویکرد تقلیل‌گرایانه بسیاری از هیئت امنای مساجد و حتی آئمه جماعات، عملاً مساجد تحت مدیریت آن‌ها را از کارکرد تربیتی دور کرده است.

سوم اینکه برخی از مساجد فعال در زمینه فرهنگی هم تلقی درستی از کار فرهنگی به‌مثابه کار تربیتی ندارند و نابلدند. کار آن‌ها بیشتر جنبه سرگرمی و تفریحی دارد و اصل، کمیت مخاطبان است؛ غافل از اینکه کیفیت و کار تربیتی صحیح، ستون محکم و ماندگاری برای کمیت است. چهارم اینکه شکاف عمیقی بین مسجد، خانواده، رسانه، مدرسه و... از لحاظ کارکرد تربیتی وجود دارد که در مواردی مثلاً خانواده خنثی‌کننده تربیت مسجدی است. عوامل دیگری هم هستند که فعلاً به همین‌ها اکتفا می‌کنم.

راهکار چیست؟ مسئله تربیت امام جماعت برای مساجد، یک نیاز فوری و جدی است. امام جماعت ستون خیمه مسجد است و اگر کارکرد اصلی خودش را داشته باشد، می‌تواند ستون خیمه یک محله باشد. خط انتقال معارف اصیل اسلامی را پیش برد، مسجد را از کارکرد معبدگونه خارج و با مردم زندگی کند. سلوک شخصی و زندگی امام جماعت هم می‌تواند انسان تربیت کند. موضوع تربیت امام جماعت را باید جدی گرفت. دوم آنکه سازوکار انتخاب و انتصاب هیئت‌امنا و آئمه جماعات مساجد را باید جدی گرفت. گروه فرهنگی، بهار جهان دوست، قصه‌گو و نقال ایرانی، از حضور خود در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی سیگانا که از ۱۱ تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ (۸ تا ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵) در کنیا برگزار شد، خبر داد. این جشنواره با تمرکز بر قصه‌گویی سنتی و با شعار «رشته‌های میراث؛ بافتن داستان‌ها، پیوند دادن نسل‌ها» برگزار شد. جهان‌دوست می‌گوید علاوه بر اجرای اصلی خود، در مراسم افتتاحیه جشنواره نیز برنامه‌ای ویژه اجرا کرد و اجراهای او در مدارس و مراکز فرهنگی کنیا، ازجمله مجتمع آموزشی الیاس، معتبرترین مدرسه این کشور که تحت پوشش سازمان ملل متحد (UN) فعالیت می‌کند، با استقبال کودکان و مخاطبان مواجه شد.

این قصه‌گوی بین‌المللی همچنین در برنامه زنده «صبح به‌خیر کنیا» از شبکه سراسری KBC در نایروبی حضور یافت و طی گفت‌وگویی ۳۰ دقیقه‌ای، دو اجرای نقالی به زبان انگلیسی برای مخاطبان این برنامه ارائه کرد.

او در مراسم جشن عید قربان در رایزنی فرهنگی ایران در کنیا، اجرایی ویژه برای فارسی‌زبانان ایران و افغانستان برگزار کرد.

جهاندوست در حاشیه این جشنواره با

باید اصلاح شود. سوم آنکه فعالان فرهنگی مساجد باید در زمینه کار فرهنگی هنرمندانه و هویت‌بخشی به جوان‌ها، خوب پیام‌ورند، در این زمینه نهادهای بالادستی فرهنگی مسئول‌اند. هم راهبرد درستی نیاز دارد و هم هزینه‌ها باید به‌درستی به این سمت هدایت شوند. این موضوع یک سرمایه‌گذاری بزرگ است که در بلندمدت جلوی هدررفت هزینه‌های گزاف را می‌گیرد. چهارم آنکه مسئله تربیت در کشور ما نیازمند یک سند راهبردی دقیق است که بتواند نقش منظومه‌ای برای اصلاح عهده‌دار کار تربیت ترسیم و زمینه را برای تحقق آن فراهم کند.

■ **آیا می‌توان هیئت‌ها را به نهادهایی برای تربیت نیروهای فرهنگی– اجتماعی انقلاب تبدیل کرد؟ چه زیرساخت‌هایی نیاز است؟**

انقلاب اسلامی در حالی شکل گرفت که مساجد و هیئت‌ها به کانون فعالیت‌های فکری، اجتماعی و سیاسی تبدیل شدند. نقشی که مساجد در انقلاب اسلامی ایفا کردند، آگاهی‌بخشی و تعمیق مبنای فکری مردم برای صورت دادن یک حرکت اجتماعی و سیاسی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم این کارکرد به شکلی دیگر ادامه پیدا کرد. حضور پررنگ اجتماعی و سیاسی و فرهنگی تا پایان دوران دفاع مقدس، بنده اعتقاد دارم که تربیت نیروها را نباید از فعالیت فرهنگی و اجتماعی منفک دانست. این دو به هم گرده خورده‌اند. اگر هیئت و مسجد به کانونی برای رسیدگی به مسائل مختلف محله تبدیل شود، هرکس که به آن بپیوندد و با لیند و یک‌طرفه برای مردم جریان این فعالیت‌ها تربیت می‌شود، به شرط رعایت ملاحظاتِی که البته در پاسخ به پرسش قبلی گفتم.

زیرساخت‌ها و لوازم هم در مطالب قبلی عرض شد.

■ **در پایان چه الگویی از تعامل بین روحانیت، جوانان و نهادهای مذهبی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی پیشنهاد می‌کنید؟**

نخست فیم مقوله تمدن نوین اسلامی و نقش روحانی، جوان و نهادهای مذهبی و انقلابی در آن.

دوم، حضور صمیمی روحانیت در بین مردم و جوان‌ها. منظور از حضور صمیمی، این نیست که روحانی در مسجد بنشیند و چهار نفر هم دور او جمع شوند و با لیند و یک‌طرفه برای مردم حرف بزند و اسمش را بگذارند نشست صمیمی! روحانی باید بین مردم زندگی کند. با آن‌ها مؤانست داشته باشد. مردم ببیند که او هیچ مزیتی جز لباسش ندارد و آن لباس هم همه‌اش مسئولیت است؛ مسئولیت سنگین. سوم، روحانیت باید خود را موظف به تربیت فکری و معنوی جوان‌ها بداند. بخشی از این تربیت، القای احساس مسئولیت نسبت به جامعه و کشور در جوان است.

چهارم، توانمند کردن جوان‌ها از لحاظ عملی و اجرایی است که ضمن فعالیت در مسجد باید محقق شود.

پنجم، هم جوان‌ها و هم روحانیون و نهادهای مذهبی، باید همان جایی که هستند را مرکز دنیا بدانند و تا جایی که می‌توانند، محیط زندگی خود را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و... آباد کنند. در هر مقیاسی که هستند، خود را خشتی از ساختمان جامعه بدانند و نقش خود را درست ایفا کنند.

این الگوی رسول الله و قرآن کریم است.

نقالی در کنیا

 	
 	
 	
 	
 	
 	
 	
 	
 	
 	

فرهنگی در کنیاست، بستری برای تبادل فرهنگی و پیوند نسل‌ها از طریق قصه‌گویی سنتی فراهم می‌کند.

این هنرمند به دعوت رسمی جشنواره بین‌المللی سیگانا و با حمایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و رایزنی فرهنگی ایران در کنیا در این برنامه حاضر شده بود.